

هذه ترجمة كتاب مشارق الأنوار جفرية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در باب دانستن رموزات و اصطلاحات علم جفر بدانکه
در هر بلدی و در هر زمینی و در هر مکانی بلفتی و ربی و بایشان
و بایشان این علم را میگویند و میخوانند و می نویسند بدان و بفهم
و در کتبی و در سینه نگاه دار که در کتاب سودی ندارد و در
دستور اصطلاح اهل جفر صرف مراد درجه بنامند و نقطه را
دقیقه می نامند و سطر را رسم زمام شرع حقه نامیده اند و باب را
پست و سهم خوانند و چون در جایی بگویند که تکبیر کن درجه درجه
با گویند حرف حرف با گویند منصوب یا مغلوب با گویند صدر
مؤخر یا گویند خفیف روح یا گویند نزول صعود یا روح یا جسد همه
به عا از حرف حرف است و زمام باب اسطر باشد که باب از
وی تکبیر کنند و بر اخرج باب نیز میگویند و گاه سهم را اطلاق
بر مقام آفتاب کنند و آن ۱۲ است بعد ۱۲ برج است که

افزون

آفتاب در هر یکی سی روز بود سطر تکبیر را اسم خوانند و گاه
زمام خوانند و حرف را درجه و باب را سهم خوانند و سطر آخر را
زمام و استخراج اسماء را رشتی خوانند و حرف دستفصله عدد
استنطاق و حرف را مخرج گویند فصلی در اصول دانستن
علم جفر بدانکه اصل کلام علم حروف ۲۸ گانه تمیمی است
و چون دید هایت کشایی و در آن نیک تامل کنی کلام خالق
و مخلوق و آنچه دنی حیوانه بآن ناطق می شود از این ۲۸
حروف بیرون نیست و در کلام مجید ملک حمید ایشانرا بحضرت
آرم آ نمود است و علم آدم الاله اسماء کلها الی اغزایه
که میفرمایند و با کتیم تکموتون این سه آیه از برای این حروف
ز فرود ایشانرا می است و در قران بسیار جاها آیات هست که دلیل
این علم حروف است و این حروف علم شریف است عزیزش
دارید آنکه اصل کلام این حروف بر سه قسم است و هر قسمی
اسمی معین داده اند تا از یکدیگر فرق شود قسم اول ملفوظی

خوانند که از تلفظ آنها سه حرف نکر ترکیب باید کرد که آفرش
 قسم اول او نباشد و آن اینهاست ا ج د ک ل م ن ع ص
 ق ش ذ ض غ و اینها سه حرفی اند و این حروف بر
 دو قسم است یکقسم را بنوی الکنون مثل جیم تا آخر که غین است
 دیگر قسم را بنوی الحکر که چون الف دوم از این ۲۸ حرف مکتوبی
 خوانند که اول و آخر آنها مثل یکدیگرند و آن سه حرف است د م ن
 و قسم سیم را سردری خوانند که تلفظ آنها بعد حرف است و آن
۱۲ حرف است ب ه ح ط ی ف ر ث ت خ ظ
 و با اصطلاح عرب پنه های ایشان الف است و با اصطلاح
 عجم ی می شود و الله اعلم فصل بدانکه ترتیب حروف ۲۸
 کانه ع نوع است که دو اثر سه عبارت از اینهاست و هر
 دایره را بدو قسمت کرده اند ۱۴ حرف اول را اساس
 نامند و ۱۴ دیگر را نظیره گویند اساس و نظیره باید که
 با هم بگیرند و چه باشند که تا درست آید چنانکه در جدول نموده

می شود و الله اعلم فصل بدانکه در تمامی قواعد است و اسما
 و اخلاص و نمازجات جفریه را مدار برد و ایرسته است پس
 هر حرفی بحسب موازین اربعه آنچه معروف است یکی عدد کبیر است
 دویم عدد صغیر است با سفاط ۱۲ و ۱۲ و غیر مشهور یکی میزان
 بسط باعتبار حروف محفوظ چنانکه الف ال ف ل ام ف
 او عدد جمیع این ۲۶۳ که میزان رابع است اما غیر از اسطر
 آفر تکبیر بود که از روز نام بردن آید و داخل بر دو قسم بود بسطی
 و عددی و هر یک از آن بر سه شعبه منشعب گردد کبیر و سبسط و صغیر
 اما کبیر در عددی عدد تمام اسم بود و در بسطی عدد تمام حروف
 بسوطه اسم و در سبسط در عددی مراتب اعداد کبیر را با دادن رد
 کردن باشد چنانکه الفوف را باجات و مات را بعشره ات و عشرات را
 باحد آورند و اعداد بحال خود باقی ماند و این را در سبسط صغیر کبیر
 خوانند و در جمیع بسطی حروف بسوطه را بلا مرتبه گیرند یعنی همه را
 در مرتبه آغاز گرفتن باشد و این را در سبسط مجموعی خوانند و صغیرا

حاصل و مدخل و سیطر را با قاعد آوردن باشد پس آقادر این مدخل
 باشد و عشرات را در مدخل و ثات راسته و الی آخر چهار و عشرات
 طروق را پنج مدخل باشد علی هذا القیاس فضل در باب نوشتن جفر
 جامع چنانکه در جای دیگر ذکر شده است که حروف صفائیان خانه
 جفر جامع گاه صفحه گاه سطر گاه خانه است فضل خواص کتاب
 جفر مالا یجفی است و حصول جمیع مدعیات از این کتاب بشرابط
 مقرر و مبسر کرده و لیکن اکابر علماء را در این علمهاست بعضی
 از بیانات مربع میان هر صفحه استخراج اسامی نموده اند و عدد
 بیانات مذکور را جمع نموده در مربعی برده اند و اسامی استخراج
 بر حوال آن نوشته اند و مدعا را یافته اند و بعضی از بیانات مذکور
 را جمع نموده در مربع برده اند و اسامی استخراج بر حوال آن نوشته اند
 و مدعا را یافته اند و بعضی از بیانات مذکور بنامون تکسیر استخراج
 کرده اند و بعضی از چهار خانه وسط و سطر آفر و عم خانه وسط
 ضلع ایمن و عم خانه از وسط ضلع ایسر بیانات تکسیر و غیر آن

استخراج

استخراج اسما علوی و سفلی نموده اند و بعضی از بیانات تمام صفحه
 بحروف مخارج دعا به پنج خافیه استخراج کرده اند و بعضی بچاره
 منصوب و متغلوب عارج و نازل و بعضی از عناصر اربع و بعضی
 از نورانی و ظلمانی و بعضی از بساط مبسوطه از تفریق سسته
 ابواب و عبارات از آنست که حروف را بر عا قسمت کرده اند
 مثلاً حروف ملفوظی ثلاثی را در حروف سروری را جدا و حروف
 کمتوبی را جدا بیدار آن از این سه باب سه دیگر جدا می نمودند
 که بمعجمه ثلاثی را جدا و مهمله ثلاثی را جدا و بمعجمه سروری را جدا
 و بمعجمه کمتوبی را جدا و مهمله کمتوبی را جدا هر یک داخل و مخارج
 به پنج مفرقه و حروف مستحصله را به ستور معمول میده داشته اند
 تا ۳ بطن و ۴ بطن و ۷ بطن و ۹ بطن و ۱۲ بطن
 و ۱۵ بطن و ۱۹ بطن و ۳۰ بطن انگاه آنچه ایراده
 ایشان بود از مستحصلات به ستور قواعد مفرقه استخراج عمل
 نموده اند و بعضی به بسط بیانات نابسی و اقل تا سه و چهار

و بهفت و بهر کدام که اوقات او تقاضا کند عمل بیکرده اند و بعضی
 از سطر تکبیر علاوه صفحه فراری داده اند و از آن استخراج مستحصله
 می نموده اند سطر تکبیر تمام می شود و بعضی از صدر تکبیر فرار
 می داده اند و هر صفحه صدر مؤخر بر میباشند اند تا وقتی که
 صدر آخر سطر بط اول مدعا بهم میرسد است اگر آن زمان
 اول مستحصله بود و اگر از زمان اول همان اسم مدعا بط
 سر ملاخرد آن سطر را تکبیر نموده صدر او را صفحه تکبیر
 کرده پس صدر آخر همان سطر بط اول مدعا است و از مؤخر
 سطر هم بهمین نحو عمل کنند تا که سطر اول زمان اول صفحه
 اول ظاهر شود و از آن تکبیر با دو صفحهای عجیب خبر دادند تا
 و لفظها و کلامها ظاهر گردد و بعضی در ربط عددی بهر لغت که
 برده معمول داشته اند و انواع بسیار در باب استخراج در
 کتابهای متعدده فضل و این اقسام را شش مفتاح است
 که آن ع مفتاح منقسم می شود باقسام متعدده در فرآیند

در آواز

در کتاب بنمایند اما افشا کرده اند و لفظ به لفظ و سینه بسینه
 سپرده اند و این شش مفتاح را هر کس بداند و شناخت این علم
 بر وی آسان گردد و باید که تواند در تکبیر مشق کند تا مهارت
 خواندن آن داشته باشد و عمل هر صفحه را با این قرار داده اند
 که عدد حروف ایجاد را باید گرفت که چون کمرات هر صفحه طرح
 می شود جزء آن باشد و عدد مذکور را در مربعی شماره مرکب
 مفرد ایجاد را بر حول مربع باید نوشت و اسماء الله و اسماء ملائکه
 اعوان و غیر آن را و اسماء روحانی و صفاتی و احوال که بیوت
 اند فیه صورت بسند اند بر اطراف صفحه باید نوشت و بعضی
 در هر صفحه که اسم خود را بیسند خانه اسم اول بیوت دانند
 و مربعی بر آن موضع دارند و حروف مستحصله و مستحصله را
 که در حرف اشرف بر خانه است جمله را نظیره گیرند و تکبیر کنند
 و بر منجیبات مطلع گردند و فرایند نماید فصل
 در باب استخراج که اول از عدد اصول ثلاثه که اسم

- ۱ دکت و لقب است بیرون آید دویم اسمی که از عدد کسر
- ۲ بطن حروف اصول مذکور بیرون آید سیم اسمی که از
- ۳ عدد تکسیر کبیر حروف اصول مذکور بیرون آید چهارم اسامی
- ۴ که از تکسیر حروف بنیات اصول مذکور صورت بند در پنجم
- اسمانی استخراج از بطن حروف عددی اسمای اصول ثلثه
- ۶ استخراج کردد ششم اسمانی که مستخرج از تکسیر حروف
- ۷ بطن عددی حروف ثلثه کردد هفتم اسمانی مستخرجه از
- ۸ بطن حروف عددی و بنیات حروف اصول ثلثه هشتم
- ۹ اسماء حاصله از بطن تکسیر حروف و تکسیر بنیایش نهم
- ۱۰ بطن اول او با عدد حروف اصول و نقاشش دهم بطن
- ۱۱ دویم او با عدد حروف و نقاشش یازدهم بطن سیم او
- ۱۲ حروف با عدد حروف و نقاشش دوازدهم بطن چهارم
- ۱۳ با عدد حروف و نقاشش سیزدهم بطن پنجم با عدد حروف
- ۱۴ و نقاشش چهاردهم بطن ششم با عدد حروف و نقاشش

بارزده

پانزدهم بطن هفتم با عدد حروف و نقاشش شانزدهم بطن
 هشتم با عدد حروف و نقاشش چون استخراج اسماء کرده هر دو
 حرف را علامت جز در صفحه گردانیده حروف سطوح فانه را
 که مستفصله خوانند جزء نظیره گرفته یکبار تکسیر منضوب کنند
 که عبارت موافق اسم حاصل آید و بعضی از اکابر در این
 عمل بالغه بسیار کرده اند الاختصار الوصیة باعث التوفیق
 و در این رسنه این است بقابله اساس در جدول تکسیر

دایره ابثنی

ا ب ت ث ج ح خ د ذ اساس
 ۲۴ ۲۳ ۲۱ ۲۰ ۱۸ ۱۷ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
 نظیره م ن و ه ی

دایره ابجدی

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س
 ۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
 نظیره ع ف ص ن ر ش ت ث خ ذ ض ط غ

دایره ا هطبی

اه ط م ف ش ذ ب و ی ن ص ت ض
ج ن ر ک س ق ث ظ د ح ل ع ^{نظیره} ص خ ع

دایره ایقع اوتاد اجد بطرح عنصر

ای ق غ ب ک ر ج ا س ل ش د م ت ح
ن ث و س خ ن ر ع نظیره مذ ح ف ض ط ص ظ

دایره اجد ش اجد بطرح افلاک

ا ج ذ ش ظ ق ن ب ح ر ص ع ک و
ت خ ن ر ض غ ل ه ت د س ط ف م ی

دایره ا ر غ ی از اوتاد ائت بطرح عنصر

ا ر غ ی ب ن ر ف ت س ق ث ش ک ج
ص ل ح ض م خ ط ن د ظ و ذ غ ه

نعمه از ائت بطرح افلاک قواعد تحصیل نمودن مستحصله

از ببط مدعا و جفر جامع بجهت استخراج ماضی و حال و استقبال
بر این نحو است رک باید نمود اول عدد کبر جمل است

یا

بدانکه در تمامی جفر جامع کبر در جمیع قواعدات مدار اعمال
از مدافعات ربط و غیره بر این عدد کسر اجدی است
فهم باید نمود

دایره درجه بر رتب حروف

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س
۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴

دایره جمل کبر

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س
۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۱۰۰۰ ۹۰ ۸۰ ۷۰ ۶۰ ۵۰ ۴۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰۰ ۹۰ ۸۰ ۷۰ ۶۰ ۵۰ ۴۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰۰

دایره احسنی بطرح ۸۸

ا ح م س ت ب ط ع ث ج ی ف خ د ک ص
ذ ه ل ق ض و م ر ظ ن ر ن ش غ

دائره حروف ملفوظی

اج د ک ل س ع ص ق ش ذ ض غ ۱۳
فرقند حروف مکتوبی و م ن ۳ حرفه حروف سروری
۱۲ حرفه ب ه ن ر ح ط ی ف ر ت ث خ ظ
علما این حروف سه گانه را لبّ الحروف گفته اند که واو میم
نون است

و دائره مطروح این است ۲۸ و ۲۸ اب ج د ه و
زح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت
۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

ث خ ذ ض ظ غ به انکه طرح در دائره نشه که ملفوظی
و مکتوبی و سروری چهار چهار است و زیاده بر این نیست
فهم کن مخفی دار که اگر طالبان دو این مرکز دانند ولیکن
تاشق نکنند و ملکه خود سازند و خدمت استاد نکنند بجای
برسند و سودی ندهند و جهه کنند تا بمقصد برسند و الله اعلم
دائره بسط عددی عربی

دائره ایقغ بهک

ای ق ع ب ه ک ن ر ش د م ج ل
ش و س خ ف ت ح ن ر ع ذ ض ط ص ظ
دائره اعطی

اع ه ط ح ف ش ق ی ص غ ظ ک ض
س ل ز ث ن و د ج م ر ب خ ت ذ
دائره اجندی

اج ن ذ ی ل ث ح ق ش و ف غ د
س ض ب م خ ط ا ک ت ن ر ص ر ه ع ظ

دائره ابسی

اب س ع ج د ف ص ه و ق ر ز ح ش
ت ط ی ث خ ک ل ذ ظ م ن ض غ

دائره انجی اینت

ان س ج ع ی ل م ه ص ن ر ط غ ث
ب ح ط ن خ ق ک و ت ش ض ذ

ا	ب	ج	د	هـ	الف
احد	اثنین	ثلاثة	اربعه	خمسه	الی آخره
۱۳	۱۱	۱۰	۸	۷	۶

بدین قیاس عمل نمایند هر کس که سواد عربی داشته باشد
دایره بسط عددی ضربین

ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ی
یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده
۳۰	۱۰	۶۰	۲۰	۵۰	۶۰۰	۴۰۰	۷۰۰	۹۰۰	۱۰۰

بدین دستور عمل نماید دایره بسط ملفوظی فرسی

الف	با	جیم	دال
۱۱	۳	۵۲	۲۵

باقی را بدین قیاس باید عمل نمود تا بنین

دایره بنیات لفظ ا ب ج د هـ ال
باقی بنیات را بدستور مذکور باید عمل نمود الی آخر حروف که غین برده

فضل در طرح جفر جامع بدانکه طرح در اعمال جفر
جامع شش است اول عناصر اربعه است ۴۰۴
طرح باید کرد دوم طرح کواکب ۷۷ طرح باید کرد
سیم طرح اندک ۹ و ۹ طرح باید کرد فهم کن چهارم طرح
بروج ۱۲ و ۱۲ باید کرد پنجم طرح منازل ۲۸ و ۲۸ باید

۷۴

طرح کرد ششم طرح درجات ۳۰ و ۳۰ طرح باید کرد فهم کن
بنیات باصطلاح ابواب جفر عبارت از ما بعد حروف ملفوظی
است و حروف اول را زبر گویند بدانکه داخل در عددی
تمام اسم بود انرا عدد کبیر مدخل کبیر گویند و سبط در عددی
مراتب عدد کبیر را با دون را کردن چنانکه الوف را با
و مائت و ابشرات و عشرات را با حاد آورند و آحاد را
بجان خود گذارند و این را و سبط کبیر و صغیر کبیر و همچنین
عدد و سبط را مائت را بعشرات آرند و عشرات را با حاد
ارند و و سبط و سبط و صغیر و سبط خوانند و همچنین هر مرتبه
بمرتبه او را با دون همرا کنند تا با حاد رسد و مدخل صغیر خوانند
و استنطاق انباشد که مداخلات را صورت عددی انرا ملاحظه
نمایند که ان عدد در مرتبه خود مخرج چه حرف است از حروف
الحروف را ثبت نمایند تا تمام اعداد بحروف مبدل گردد و انرا
استنطاق خوانند و بلند مرتبه انباشد که مراتب حروف الوف
مائت و عشرات و آحاد همه را در مراتب آحاد گیرند و آحاد در

در حال خود است من منتخبات مشارق الانوار سید هاشم
 در استخراجات و قواعد علم جعفر منی بذخیره القلوب
 اول لابد است که طالب این علم بر علم عدد ماهر باشد بطریق
 که در حل عقد اشکال اعداد و صدر آنها و مراتب آنها و تغییر و
 تبدیل و تحریک و تنطیق و ضرب و داخل و مخارج و استنطاق
 و تنصیف و تقصیف و قسمت و مزاج و عناصر و ترغ و تنزل و
 و امتزاج و ایجاد و تجنیس و تخلص و تصدیر و غزیری و تطایر و
 و ارفال و اخراج منصوب مقلوب صدر مؤخر و معرب و معجم
 و صامت و ناطق و ساکن و مضموم و مفتوح و محرک و درش
 تاریک سیاه سپید موافق ضد و شبیه و نظیر قوی ضعیف
 و اعداد اوسط و طرح که در تکسیرات و انواع از آن در هر سطر
 لفظی بیرون می آید که معنی تمامی در شان حضرت رسول دارد
 اکثر بر مثال او بیرون مطلب خویش را بد در اندازم موقوف است
 که انشاء الله در نسخه علوه ثبت می شود بیون الهی یادگار از من
 حقیر باشد چون اینرا دانستی ذخیره ششم در باب

در

ترکیب نمودن بسطهای مدعای طالبان غیب از توفیق ملک
 لا یریب بچند قسم از اقسام مرقوم میگردد که انشاء الله تعالی در شان
 شاه اولیا را از من یادگار بود اولا باید که در همه بسطها ابتدا
 بنام ازناهای پروردگار یا ای دانای اسرار نهانی یاور
 در مانده گان باین حال که اول بنده عاقل متوسل بجز او انمه
 هدی شود انگاه بخود پردازند تا کار او را خدا ساز کند میندا
 بلوید خداوند احمد حسین پسر کمال الدین پسر محمد حسین اصفهانی
 را از ساعه اول از ماه شعبان ماه هفتم اول فصل پاییز سال
 هزار و صد و شانزده تا چند سال خواهد ملازمت کردن و این نحو
 بسط بسیار مطول دشوار است و کسی باین قسم بسط کم رجوع
 می نماید اما آنچه آسهل و آسانتر و پسندیده و موافق روایت
 اسنادان که از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق دارد
 امام رضا علیه السلام ذکر نمودند باین نحو آسان کامل است
 خداوند احمد حسین پسر کمال الدین پسر محمد حسین از حال
 که هم جمعه هفتم ماه شعبان سال هزار و صد و شانزده

تا چند سال دیگر در محال مازندران تجارت خواهد نمود
و باقی مدعا را همین رویه بعمل آورد و بر دانشندان پوشیده و مخفی
نست و نادان جیران همی بایدش کریمت

ذخیره هفتم باید که صاحب این علم اهل الله باشد و خود یقین بداند
که از دو عالم تر و استاد تر بسیار است هر چند که او افضل عصر باشد
که از او بهتر و داناتر است البته و همچنین باید که با اولیا و اهل الله و فقرا
و فخر الاولیا که آنحضرت سر الله باطن است استعدا را استمداد
بهمت توفیق از او باید طلبید که راه نماند مرشد کامل در شکر
در مانده کان و کثابنده در همان اسما است

ذخیره هشتم در طریق بعد گرفتن بسط مدعا و تحصیل ذخیره
بواطن درجات بدانکه چون مطلبی را بسط و بدستور مقرر نظم
داری انکاد سهم کردی هر یک را از آن لفظ کامل یعنی را عدد
گرفته در تحت هر یک ثبت نمودی و آن عدد را مدخلات او را
حاصل کردی و هر مدخل را در معام خود رقم نمودی انکاد که
یک سهم را تمام عدد شرا گرفتند و اعداد آنرا یکجا جمع نمودی

از آن یکجمله مدخل گرفتند بعد از آن سهم دوم را هم بهمین طریق اعداد
انکاد گرفته ثبت نمودی و مدخل را هم جمع کل آنرا مدخل اول
تحصیل و ثبت نمودی انکاد سهم سیم را هم بهمین طریق بعمل
آورده و بعد از آن حروف بسط شمرده و آنرا هم ثبت نمودی
در آخر همه بعد از آن نقاط آنرا شمرده و ثبت نمودی انکاد
انچه از سهم اول حاصل شده استنطاق نموده در تحت آن
عدد درجه آن ثبت نمودی که درجه آنرا کم نکنی و تا آخر سهم
سیم دو عدد دو حرف نقاط است همه این عدد را استنطاق
و هر مستنطقه را در درجه خود ثبت نمودی انکاد موضع زمان
معین نماید چون موضع را یقین داری بسط اول مدعا را بخرد
مقطع سهولم در هر یک سهم را زمان سرار داده که سر زمان
باشد پس حروف مستنطقه هر سهم را علیحده زمان مهار از شتی
شش زمان حاصل شد سه از حروف بسط داشته از حروف
مدخل که اینها را مستحصله گویند انکاد جمع این شش را
بر یکدیگر عرضه ده و به بین که سه سهم اول چند حروف

و چند نقطه داده و سه سهم مستحصله چند حرف درجه و چند نقطه
 دقیقه داده انگاه ملاحظه کن که چند حرف از مستحصله هائز بسط
 زاید آمده ها هر کدام زاید آمده انرا بنویس در تحت و انگاه ملاحظه
 نمای که زاید توجه مخرج دارد آن مخرج را ملاحظه کن که کدام جزو است
 از اقلیم در آن کانه چون جزء را دانستی و شناختی پس ملاحظه
 کن که آن درجه کدام اقلیم را منظور دارد و چون بان اقلیم رسیدی
 ملاحظه کن در کدام شهر خواهد رفت پس از ان شهر ملاحظه کن
 که کدام قلعه خواهد شد پس در ان قلعه در کدام محله و در آن محله
 در کدام خانه خواهد رفت چون دانستی نو آن درجه ضامن
 بگیر که مگر بزانی بر سه درجه اول زمام مستحصله سهم دوم بیار
 نظر کن که آن کدام درجه است و با او بهمان طریق برود در
 هر محله و خانه که ساکن بشود از او ضامن بگیر باز به نظر کن که
 درجه اول زمام مستحصله سهم ششم کدام درجه است و این را بهمان
 طریق محله و خانه برسان و از آنهم ضامن بگیر از این سهم
 مستحصله از اول هر سهم یک جزو در ابر داشته انرا آن محله

و خانه رساننده و از هر یک چهار ضامن گرفته که نمودی پس بر
 بگیرد بر سه درجه دوم زمام سهم اول بهمین طریق بعمل می آوری
 بعد از آن می آیی بر سه درجه دوم زمام سهم دوم آنهم بهمین
 پنج تمام میکنی بعد از آن بر سه درجه دوم سهم ششم انرا هم بهمین
 دستور تمام میکنی که با تمام سهم حرفش تمام از دستور مفره
 در خانه طالب و مطلوب را حاصل بنمائی و هر یک را در موضع خودی
 نویسی و بیاید که ضامن درجه اول سهم اول نوشته شود و ضامن
 اول سهم دوم پهلوئی او نوشته شود و ضامن درجه اول سهم
 ششم در پهلوئی درجه اول سهم دوم نوشته شود و بهمین
 طریق بنویسد تا تمام شود و بیانه ضامنها باید بقدر دو نقطه
 یا سه نقطه فاصله باشد که با هم مخلوط نشود چون از سهم
 کسری هم رسد از حرف و نقاط آنها را کامل گردانند اگر
 آنهم و فائز کنند از بینات انها لمحن گردانند که با تمام شود انگاه
 تمام سهم را که مطلوب است جمع کردی بنکو ملاحظه نمای
 و بجزان اگر خوانده شود باید دستور دایره ثلثه انها را تفرقی

نموده انگاه دور و هر که از دایره اول بشمارد و حرف چهارم را بنویسد بعد از آن از دایره دوم بشمارد و حرف چهارم را بنویسد بعد از آن از دایره ششم بشمارد و حرف چهارم را بنویسد و هر یک از این دو ایر که حرف چهارم را بنویسد در سر آن حرف علامتی قرار دهد که مشتبه نگردد چون دو ایر تمام دور کنند آنها بعون الهی بنطق آیه انشاد الله تعالی بخواند اگر بنطق نیاید همان سطر را منسوب بکدفعه تکبیر کند خوانده می شود و چون آنها بر آن با خرم نام کند از هر سطر نوعی جواب و قسمی جز کلامی ظاهری می شود و باید که در هر سطر منسوب و مقلوب نازن و عارج صدر مؤخر بهم چیزی که خوانده شود کامل المعنی بان بنویسد و هر بنده مطابق سوال نباشد که در سطر دیگر کلامی بهم میرسد که آنرا پرورش دهد و مطابق گردد و چون خواهد که تکبیر کند باید جزای سطر تمام با هم و بگیریم درجه باشند که در عارج دنازل تواند خواندن و این سهوم ثلثه را اول خلاصه کند و بعد از آن بضمین رساند که طول آن زیاده نشود اگر

به طول دعا نقل را دماغ باری تکمیل آن نخواهد بود و اگر نه بهم را چون استخراج نماید کامل و خوب است
 ذخیره نهم بدانند چون بسط مدعا را ترتیب نمودی و هر یک کلمه کامل المعنی را عدد گرفتگی همان کلمه را مدخلات بگیرد و در تحت او بنویس و استنطاق کن تا که بسط مدعا تمام شود و این بسط را باین طریق محتاج به سهیم نیست چون همه بسط را عدد گرفتگی و استنطاق نمودی اعداد اجمع جمع کن آنرا مدخلات حاصل کن و انگاه استنطاق کن چون تمام شد بسط را بلا مرتبه جمع کن و مدخلات بگیرد و استنطاق بکن چون تمام شد عدد کل آن بسط را و این عدد بلا مرتبه را هم با هم جمع کن و مدخلات بگیرد حاصل کن از این بنویس انگاه آنچه بگیرد است همه آنها را با هم جمع کن و مدخلات حاصل و استنطاق و بنویس و بعد آنچه در سیط مجموعهای آمنت آنها را جمع کن و مدخلات و استنطاق کن و بنویس انگاه آنچه صغیر مجموعهای آنهاست بهمین دستور بعمل آور و انگاه آنچه صغیر است انهم بهمین طریق بعمل آور چون آنها تمام شد

آنچه از این چهار مدخل است همه را جمع کن و مداخلات و استنطاق
 کن و بنویس و آنچه حروف مستحصه است همه را جمع نموده مداخلات
 گرفته استنطاق گردانند و حروف و نقائر کامل بشمارد و بنویسد
 انگاه اینها همه نه سهم حاصل میشود که سهم را باید مستحصه او را
 بدستور زمام عمل آورده و مدعا را بدستور عمل اول از درجه اولیم
 و شهر و قلعه و محله طلب کند و ضامن نماید اما که در این بطن این
 است با قاعده اول تفاوتی داده این است که در محله ضامن میگرفت
 در این قاعده در اولیم در شهر قلعه محله در هر چهار ضامن بگیرد و ترتیب
 بهمان سه سهم است در نوشتن و استخراج نانه سهم تمام شود
 فهم کن و الله اعلم ذخیره دهم چون بطن معین غوری
 و آنرا سهم گردانیدی باید هر سهم را علیحده عدد بگیرد بدستور
 مفرد و مداخلات انرا استنطاق کن چون تمام شود انهم عدد
 بلا مرتبه آنهم بگیرد و مداخل کن و بعد از آن عدد حروف و نقائر
 هم مداخل کن انگاه همه را با هم جمع کن و مداخلات را حاصل کن
 و بعد از آن سهم دوم را بنویس و بهین طریق عمل کن چون تمام

شود عدد لک کل حاصله این دو سهم را با هم دیگر جمع کن و مداخل
 و استنطاق و حروفات همه و نقاطر اهرم بنویس پس سهم ششم را بهین
 دستور عمل کن چون تمام شود عدد حاصله سهم سیم را و
 همه این دو سهم بهم جمع کن و مداخلات حاصل و حروفات
 و نقاطر بشمارد بنویسد انگاه سهم سوم را معین کن که حاصله
 این سهم است و از قاعده ۱۲ سهم حاصل می شود پس
 بهین دستور سابق میزان کن و انگاه در اقالیم و شهرها
 و قلعه ها و محله ها را ضامن ها را گرفته ثبت و بدستور اول
 استخراج کند و اول هر سهم ز طالبه کند و انگاه از آن
 مطلوبه طلب نماید فهم باید کرد

ذخیره یازدهم چون بطن مرکب داری دو سهم
 انرا قرار داده از اول بطن تا سهم هجده یک سهم دان باقی را
 یک سهم پس این دو سهم با هم بگیرد درجه گردان هر گاه سهم
 اول و ثانی در درجه بهم تفاوتی کند هر کدام زیاد باشد آن
 کم تقسیم نمایند که همه درجه باشند و از ترتیب بطن نمانده که در

خوانده شود اگر یک حرف کسر کند از مخرج شماره حروف اضافه
 کند اگر مخرج مراتب اربعه عدد داده بلا مرتبه حساب نموده
 مخرج امرا اضافه نمایند و بعد از آن امتزاج دهد و رایج را درج
 و نصف اخر را بر درجه اول مقدم داده و امتزاج دهد و این
 رابط تازم نامند و نیکو بطن غریزیت انگاه انزابیه قسم
 سهم گرداند که هیچ یک در صف با هم تفاوت نکند اگر در آنها
 کسر سهم رسد از مخرج شماره حروف و نقاط ملحق گرداند
 انگاه کامل شود پس هر سهم را علاوه تفسیر منسوب
 کند تا زمام باز گردد و وسطی که آن غریز است و ام
 الزمام گویند آنطرا ۴۴ محله دهد اگر از مردم محله کسی
 غایب باشد از درجه دقیقه طلب نماید که ایشان از مردم
 ثلثه موقوفی فی العور می آورند انگاه این سه زمام را با این
 قسم کامل گرداند پس ملاحظه مخرج میتوان نمود اگر یک باشد
 مدعا است و اگر دو باشد و همچنین میزان هر کس بر ایشان
 و در او برداشته بر اقالیم و شهرها و قلعه ها و محله ها کن
 اریم

هر چه دهد هفت است بستان و قایم نگاه دارد چون تمام شود
 بر سه سهم انگاه آنچه جمع آورده بیاورد خرمن کن را خبر کن تا
 از برای تو بگویم هفتی است که رسد هر سهم را خلاصه کردانی
 و آنها را بینات کردانی و زبر را از ایشان جدا کن انگاه یکبار
 تفسیر کن و انگاه خلاصه کردان و بخوان اگر خوانده شود آنها را
 یکبار تفسیر کن و لسان الغیب و روح الغیب را در آنها دم
 که خوانده شود اگر نشود بهمان نسق که همت روح الحروف را
 نوبت دیگر با ایشان دم و خلاصه کردان که خوانده می شود
 و تفسیر کن که در تفسیر عجایب است و این بطن هر قسم استخراج
 که در اقالیم سبعة مفرات تمام در این مستحصله جاری و بان
 عمل میتوان نمود

ذخیره دو نهد هم چون ترکیب بطن کامل گردانیدی
 پس این ضابطه را غریز دار که کامل است بطن را حروف
 مقدره کردان و غنا صرا بجم را آنها هر یک را در مرتبه خود جمع
 کن که چهار باب حاصل شود هر عددی را که اول آن غنرا

اینها را با هم دیگر میزان درجه بگیرد اگر بگیرد اگری باشد از حروف
 نقاطش تمام کن و اگر از آن بعمل نیاید از حروف نقطه مطلوبش
 بسیار اگر از آنهم نیاید نقاط و حروف هر دو را داخل آن
 آنرا تمام کن انگاه با یکدیگر امتزاج ده چون هر چهار عنصر را
 بهم امتزاج دادی آنرا بنیات سازد و زیر بنیه را تمام
 عدد را بگیر بدستور معموره داخل ترا گرفته استنطاق کن
 چون هر دو عنصر را تمام کردی مستطقه بگوزره را بلا
 مرتبه عدد داخلات و استنطاق کردن و انگاه حروفات
 تازج و مستحصله در این ایشمار و نقاط بنویس و داخلات
 در این نگاه دار انگاه دو عنصر دیگر را بهمین دستور بعمل آور
 چون داخل آنرا حاصل و استنطاق نمودی و حروف
 نقاطش بهمین قاعده تمام کردی پس جمع کن عدد تمامی
 حاصل اینها را و از آن داخلات بگیر استنطاق کن انگاه
 تمامی حروفات را داخل بگیر چون چنین کردی
 پس این حروفات مستحصله را تمام بگیر نام ثبت کن چون
 ثبت

ثبت کردی آنچه در اول مابسط کردی با آنها همان بعمل آور
 طالب مطلوب برادر در درجات با یکدیگر قرینه گردان اگر بگیرد
 نقضی باشد از شمار حروف و نقاط کامل گردان چون کامل
 شد امتزاج ده و آن دوی دیگر سهم بدستور چنانکه کردی بکن
 انگاه این هر دو سطر مخدج با یکدیگر میزان درجه بگیر و انگاه این
 هر دو سطر را امتزاج ده پس تکسیر کن او را تا تمام باز آید انگاه
 ام الزمان را در قاعده تقسیم اربعه منقسم گردان هر چهار حرف
 بعد از آن هر چهار حرف را پیته حاصل کن و یکبار دیگر تا پنج بار تکسیر
 کن اگر از پنجبار کمتر تمام دهد و ام الزمان و لسان الغیب در مع
 الحروف باز گردان اگر در سطر خوانده بشود فهو المطلوب و الا
 ام الزمان را با روح امتزاج ده خواندی خوب و الا روح بر روحش
 بیفرا تا سطر تمام شود و انگاه خلاصه گردان و بخوان و اگر
 خوانده نشد تکسیر کن بخوان تکسیر روح با لسان باز گردان
 تا خوانده شود و گاه هندی که در بعضی حروف ناطق شود احتیاج
 بر روح نیست آنچه که ناطق نیست محتاج روح است و هر چهار

حرف را باین طریق بعمل آور تا تمام آنچه مستفصله که قسمت چهار
 نموده تمام را بنطق آورده زمام سازی در این بسط عمل بخورد
 دیگر می شود چون سطر استخراج ام الزمان کلی حاصل شود از
 اول آنکه سطر درجه بردارد از وائیم طب انگاه شهر انگاه
 قلعه انگاه محله انگاه خانه باین طریق از بر درجه پنج خانه یگری
 می نویسی هر خانه چهار شخصه چون ام الزمان را تمام ز
 اقلیم و شهرها و قلعه ها و محله ها و خانه ها جمع آوری انگار بدایره
 ثلثه منتقل گردان و انرا دوره بدستورش انگاه بخوان که عجب
 ترتیب این دگر با لسان الغیب بارش کنی با هم درجه
 گردانی او هم درجه گردانی او هم با تو را ازها داد و اگر تکبیر کنی
 از هر تو حکایتها نکاد افا فهم

ذخیره سیزده هم چون بسط ابکلمات کامل المعنی ترتیب
 دای انگاه انرا مقطعه گردان و خلاصه کن و انرا بسط ملفوظی
 گردان تا ۲۸ از و حاصل شود انگاه هر بسط را عدد گرفته
 مداخلات انرا استنطاق کن و حروف و نقاط را بدستور

از

بنویس چون تمام شود انرا بقاعده اقالیم مطلوبه را نموده بداند
 ثلثه طرح نمای و دوران ده در تکبیر ما استخراج لسان الغیب یا درجه
 حروف الغیب هم درجه گردان تا ناطق شود ترا بکسی آسان
 شود که از استاد تعلیم او را دارد افا فهم
 ذخیره چهارده هم چون بسط را ترکیب کردی حروف را
 مقطعه گردان و تا هفت بطن از و بینه حاصل نما د انگاه بقانون
 فوق عمل کن که مطلب را خواهی یافت

ذخیره پانزده هم بدانند چون بسط امین نمودی انرا در بخش
 مساوی الحروف قرار ده انگاه نصف اول را مداخلات گرفته
 در تحت او بنویس بعد از آن بلا مرتبه حروف و نقاط را بنویس
 بهم جمع کن یکی آنرا هم مداخلات گرفته ثبت کن آنچه اعداد از این
 دو جمع حاصل شده بهم یکجا جمع کن و بنویس مداخلات را
 نگاه بخش دو بر این طریق بعمل آور انگاه ثبت نما انگاه بهم
 بلا مرتبه حروف ثبت کن انگاه مداخلات بخش اول را با مداخلات
 بخش ثانی جمع نموده حاصل کن انگاه تمامی مداخلات مخرج

حروف بنویس انگاه شماره حرف نقاط را بنویس و مخرج حرف
 آنرا بنویس و همان حروف را بیکر نام آور داد و بخش کن
 انگاه بخش اول را بدستور بهر لغت که سوال نموده بهمان
 لغت آن بخش را حروف در آن بچروف ببط عددی کن انگاه
 مداخلات آنرا حاصل ثبت کن انگاه بلا مرتبه از آخر گرفته
 بنویس و حروف و نقاط را بنویس و بهم جمع نموده مداخلات
 از اثبت کن انگاه آنچه مداخلات حاصل شده را جمع کن
 و بنویس و مداخلات را ثبت کن انگاه بخش دوم را بمثل
 همین مداخلات حاصل کن و ثبت کردن انگاه بلا مرتبه و
 حروف و نقاط را بعد از آن آنچه مداخلات جمع شده همه را
 جمع کن و بنویس و مداخلات را ثبت کن انگاه جمع این
 مداخلات دو بخش ببط عددی را بهم جمع کن ثبت نما و آنرا
 مداخلات گرفته بنویس انگاه حروف ببط عددی را بلا مرتبه
 گرفته تا حروف و نقاط جمع کند و مداخلات گرفته بنویسد و بعد
 از آن آنچه از این مداخلات حک بهم رسیده همه را جمع کن
 مداخلات

مداخلات بنویس و بلا مرتبه نمای حروف را بنویس و نقاط را
 و مداخلات را ثبت نمای انگاه آنچه مداخلات است که از این
 ببط عددی حاصل شده آنرا بیکر نام آور و انگاه این را ما
 بدو قسمت مساوی نموده اول را ببط ملفوظی نمای و بهمان
 طریق این را مداخلات حاصل نمای انگاه بدستور مذکور نصف
 دویم را ملفوظی نموده مداخلات را بعمل آور تا آخر قاعده که در
 فوق گذشته انگاه تمامی حروف این دو ببط را آخر را بیکر نام
 کن و از این قاعده زمام حاصل گردد یکی از ببط مدعا دوم از
 ببط عددی سیم از ببط ملفوظی انگاه این سه باب را با یکدیگر
 هم درجه کردن و ملاحظه کن که کدام یک از این ابراب حروف او
 کم است از آخر آن دو باب از هر یک بدو مقدار بران اضافه
 کن تا که با هم مساوی گردند اگر از باب اول باب دوم حرف
 بر داده بعد از آن سیم و اگر از دوم کم آید از سیم بردارد و بعد
 از آن از اول و بدان از ای اگر از سیم کم آید از اول بردارد
 و بعد از آن از دوم بران افزان تا تمام گردد و گردون درجه هر سه

باشد جدا جدا خلاصه کردنی و انگاه بدرجه برابر کردنی هر یک
 که کسرا داشته باشد از حروف فاضله آن حروف ثلاثی بر آن
 افزای تا تمام گردد و این بهتر است بعد از آن که با هم درجه موافق
 شدند آنها را امتزاج ده بدستور دایرسته که اول ۴ از
 هر باب طرح کند و حرف ۴ نکارد و بعد ۷ و بعد ۹
 و بعد از آن ۱۲ و حرف ۱۲ نکارد و بعد ۲۸ و بعد ۲۸
 و بعد ۳۰ و حرف ۳۰ را بنکارد و انگاه از سیر گردانیده
 از باب سیم بمثل اول اما این ترتیب بر عکس آن کند اول از
 ۳۰ شمارد و بدستور گذشته و حرف ۳۰ بنکارد و تا وقتی که طرح
 بچار برگردد و انگاه بازار ۴ از باب اول گیرد تا به ۳۰ برسد
 و حروف بردارد باین دستور تا تمام آن سه باب را بطرح آوری
 و این یکسره حاصل گردد پس آنرا بدستور میزان اقالیم سیمه مطلوبه
 برساند چون جمع گردد دایره آن دایره ثلثه دور دهد چون
 تمام گردد در اربابار تکسیر منضوب کند و لسان الغیب همه رجه
 گردانند اگر در لسان الغیب ناطق شود فهو المطلوب و

دالا که روح حرف را بآنها امتزاج دهد انگاه بخواند و الا روح
 بروح بیفزاید و خلاصه آنرا بخواند و تکسیر کند که معار را دریاید
 ذخیره شاترود هم بدانکه چون بسط اراستی و از او
 جواب خواستی اول طالب را و اب جدرا مدخلات حاصل
 کن بعد از آن مطلوب انگاه همه آنها جمع یکی کن و مدخلات
 حاصل کن انگاه همان بسط اول را عددی کن و مدخلات آنرا
 ثبت کن انگاه جمع اولها را باهمه مدخلات عددی کلمه بیک
 جمع آورد و مدخلات آنرا ثبت کن انگاه بسط اول را محفوظی
 کن و مدخلات آنرا ثبت کن انگاه تمام حروف بسط و مدخلات
 بشمارد و نقاط را هم و ثبت کن پس مجموع مدخلات استتقاق
 کن انگاه بر نام آورد همه را یک نام گردان انگاه خلاصه را
 یک نام گردان انگاه آنچه زاید است آنرا هم خلاصه گردان
 و در تحت خلاصه اول درجه درجه همه رجه گردان انگاه
 فاضله را خلاصه گردان و آن خلاصه را در تحت خلاصه ثلاثی
 ثبت گردان باید بدستور اول باین طریق خلاصه بر گردان

تاییدی که از حروف خلاصه چری باقی نماند و باید که حروف
 درجات از یکجنس باشد الف را در درجه الف خلاصه
 اول بنویسد و هر حرف را با این طریق درجه بدر انگاه انظر
 با این طریق جمع می شود که هر حرفی که در یکدرجه جمع آمده اند
 بدستور نزول آنها را جمع کند و با این طریق تا که تمام
 شود آنها پس هر یک را داخل علاصه گیرد انگاه همان درجات را
 بلا مرتبه گیرد و مداخلات هر یک بنویسد انگاه و آنچه از این درجات
 حاصل شده زمام سازد و انرا با قلم رساند و در هر منزلی از زمین
 و بسار و عارج و نازل هر یک را چهار خانه بردارد بهین طریق
 انهمه را تمام مطلوبه حاصل کند انگاه بدایره نشسته بود انهمه
 آنچه حاصل شود انرا بخواند تا اگر بخواند سنان الغیب عرض
 داده و بار و عشق رساند تا که محتاج امیزش روح اگر دارد پاییزد
اگر محتاج تکسیر تخلیص باشد چنانش کند
 ذخیره هفتدهم چون سوال را ببط کردی انرا بهمان طریق
 باز دو داخل حاصل کردان و ثبت نمای انگاه حروف و نقاش
 الی

نویس انگاه ببط محفوظی و بهین طریق مداخلات را ثبت کن انگاه
 حروف و نقاط انگاه حروف مستطقه را یکزمام آور از وقت هر چهار
 آنرا با قلم فرست چون چنان اگر کسی بهم رسد از حروف نقاط
 کامل کن انگاه درجه او ترا بهر اقلیم که رسد بعد در همان درجه شهری
 طلب کن و در آن شهر بعد در همان محله خانه طلب کن بعد در همان و
 در انخانه بهین درجه را مرتبه پیدا کن از مرتبه او هر کس را میبای
 او را بگیرد بشمار همان عدد هر کس که رسد او را ثبت کن بهین
 طریق این زمام را تمام کردان باز از سر کبر همان طریق اقلیم و
 شهر و قلعه و محله و خانه رسان در انخانه هر کس که شود پیدا
 بعد انخانه بگیر بعد آن مردم بشمار هر کس که رسد او را بنکار
 باین هم مثل همان آمد یکبار بعد از آن این هر دو زمام که با هم
 هم درجه باشند بدان انگاه تکسیر توان یافت از ان در باب
 جواب اگر حرفی بزند آنها هم را حل بشکاف هر چه در آن
 دلها باشد جمله بنکار چون که فرشتی آنها هم را با هم زیر کنی
 تر خلاصی انگاه بلسان الغیب ده پی غرر بهانه در حرف بگیرد

روشن کند باز یا آنکه بر آید کام نونگار تکسیر کن در هر سطر آید
 حرفی بکنار که عاقل دانای این را نگار دار
 ذخیره هجده هم این عجایب قاعده است نونکه بیدار چون بسط
 مدعا کردی انگاه حرف آنرا از انفراد در یکسطر طولانی بجری
 نویس که در میان هر حرف دیگر تواند آمد انگاه درجه
 درجه مرفوع ده تا به ۱۲ مرتبه رسد انگاه هر درجه را جمع کن
 و از آن مداخلات حاصل کن و ثبت نمای تا تمام درجات باین
 قسم برسد انگاه هر دو درجه را مداخلات را بهم جمع کن و آنرا
 مداخلات ثبت کن تا با آخر رسد انگاه از این مداخلات هر دو
 مدخل را جمع کن و مداخلات آنرا بنویس تا با آخر همین طریق
 تا بجای که منتها شود بدو مدخل که بعد از آن جمع آید انگاه
 حرف آنها را در یکسطر ز نام کردن انگاه درجه اول را باقلیم
 رسان هر گاه باقلیم رسد در آن اقلیم یک محله را بگیر سر تا سر
 و ثبت کن دو حرف آخر هر خانه انگاه درجه دوم باین طریق
 تا تمام شود انگاه حرفات را بدایره ثلثه دور در دستور

از آن

از آن بگیر و تدریج لسان الغیب کن تا بعد فارسه
 ذخیره نوزده هم بدانکه بسط را چون ثبت کردی حروف آنرا
 مفرده کردن و آنرا دو قسم کردن قسمی معجمه و قسمی مهمله را
 دو قسم کردن ثلاثی را جدا و ثانی را جدا و مهمله را هم دو قسم
 کردن ثلاثی را جدا و ثانی را جدا و مکتوبی را دو قسم کن معجمه را
 جدا و مهمله را جدا که این شش باب هم سؤالش اول معجمه ثلاثی را
 مداخلات گرفته ثبت کن انگاه مهمله ثلاثی را انگاه معجمه مکتوبی را
 انگاه معجمه ثنائی را انگاه مهمله ثنائی را پس هر یک استنطاق کن
 و آنها را در تحت ایشان بنویس بجدی که معلوم باشد که حاصل هر
 کس در تصرف دست انگاه محصول هر یک را درجه درجه بسط
 عددی کن انگاه داخل انگاه استنطاق کن در تحت هر یک
 ثبت کن انگاه بسط عددی را ملفوظی کردن و بهمان دستور
 مداخلات گرفته و در تحت هر یک ثبت کن انگاه آنها را
 همه در یک ز نام آورده حروف و نقاط هر یک را مرقوم دار انگاه
 بمثل ادل این مستحصله را ابراب سه متفرقه هر فرقه را جدا

ثبت کن و همین طریق از آنها باز محصولات راه رخت ایشان
 بنکار چون سه بط عددی و ملفوظی همین دستور بهل آردوی
 انگاه مستحصله ثانی را مثل اول بکنام ساز انگاه بدستور اول
 و ثانی تفریق ابواب سه کرده انگاه بهمان طریق آنها را مداخلات
 حاصل و در رخت هر یک بنویس انگاه حروف و نقاط ثبت کن
 این قاعده بی نظیر است و از آن بجزده باب حاصل شود از هر
 باب استخراج ممکن است اگر دشوارت نباشد و الا مستحصله
 بط ثالث بدستور مقرر بآن اقلیم مبر انگاه مطلوبه را از هر
 منزل بیار انگاه زمام ساز تکسیرش کن انگاه بلسان
 الغیب روحش رسان در هر سطر جای معلوم می شود
 و در هر تکسیر گفت شنیدی باشد و در این قاعده اقسام عمل
 عمل آید هر کس در خود عقل خود کاری سازد دایره ثلثه
 طروح سه ضرب النفس حروف ضرب در تها ضرب
 عنصر ضرب هر درجه بر منزل او در این قاعده جاری می شود
 منزل و ترفع و عناصر و تضعیف جمله در این قاعده جاری هر یک
 ک

که تو خواهی بکن از لطف الهی این سه باب هر بابی شش باب است
 از ابواب متفرقه خواه ابواب ثلثه خواه کل خواه خالص همه را در
 این باب در کار است

ذخیره بیستم چون بطرا صحیح کردی و نوشتی آنرا اول طلب را
 عدد بگیر انگاه مطلب را و از هر یک مداخلات آنها را جمع کن انگاه
 بط عددی کن و از آنهم مداخلات او را بنویس انگاه بط ملفوظی
 کن و مداخلات آنرا بنویس و تمامی حروف مستطقه آنها را بکنام
 ساز انگاه تکسیر شده تا اتم الزمام حاصل آید انگاه ام الزمام را بآن
 اقلیم درجات برده و مطلوبه را حاصل کن انگاه آنها را بدایره ثلثه
 دورده انگاه تکسیر کن و بجزان اگر خوانده نشود اتم الزمام همین
 تکسیر را بلسان الغیب رسان و آنرا هم درجه معلوم نکردد با روح
 میانبرش روح مع الروح کردن و خالصه را بجزان و تکسیر کن
 تا بمطلوبه برسد

ذخیره بیست و یکم چون بط مدعا را ثبت صحیح کردی
 پس متفرقه ساز حروف آنرا و هر یک را ملفوظی کردن در

و نیز با بیانات اوجع کن و مداخلات آن را بنویس تا که مرتبه
 تا ۱۲ مرتبه یا ۲۸ مرتبه از این سه قسم بیرون رود هر یک از
 این سه قسم که اختیار کردی تمام حروف بطرا بهین زدیه تمام
 کن چون تمامی حروف را بیانات و مداخلات آنها را ثبت کردی
 مستحصله را یکز نام متفرق بمثل اول بنویس انگاه هر یک در فرا
 از این مستحصله به ستور اول بسط عدی کن بطن بعد البطن
 تا که این حروف هم تمام شود و بعد با این مستحصله را مستحصله
 اول را هم درجه کردن هر یک کسر داشته باشد از حروف و
 نقاط آنرا تمام کن انگاه بیکه بگیر استخراج ده چون استخراج داری
 حروف آحاد را جدا بنویس و حروف عشرات را جدا و حروف
 مئات را جدا و حروف الوف را جدا انگاه آنها را جدا جدا داخل
 گرفته در تحت ثبت کن چون آحاد را داخل گرفتی بعد از آن
 عشرات را داخل بگیر انگاه مئات انگاه الوف را بعد از آن
 همه مداخلات را جمع کن و مداخلات آنها را ثبت کن و حروف
 و نقاط را ثبت کن انگاه استنطاقها را در یکز نام کش و آنرا

بجز

بجز حصه ده و انگاه هر درجه که مطلوب خود بیا به آنرا بنویس
 با تمام مطلوبه آنرا تمام کنی پس خلاصه کن انگاه انحصار
 یکبار تکسیر کن و باز با قالیم عرض کن و هر جا که در اقالیم و
 شهر و قلعه و محله و خانه که برسد برود و لسان الغیب او در
 هر کجا باشد و هر که با او همراه باشد لسان الغیب از آنجا
 بیاورد ثبت ضبط کن تا تمامی این درجیات لسان الغیب
 خود را در اقالیم بیدا کرده بیاورد و انگاه بدایره ثلثه در دره
 بخوان

ذخیره بلیت دو چون بسط بطریقی معهود ثبت کردی
 پس حروف آنرا تنویر گردان یعنی هر حرف را بعد طبیعی آن
 در درجه او همان قدر از جنس او بنویس مثلاً الف عدد
 طبیعی او یک باشد الف دیگر مکتوبی بنویس و میم در عدد
 ۴۰ است انهم بهمین طریق در درجه او چهل م متکربی
 بنویس از این قرار هر حرفی از آن بسط را بعد طبیعی او همان
 قدر هم جنس او بنویس انگاه که بسط تمام شد این حروفات

گمره را دو تا بهم جمع کن تا با آخر حروف و حاصله او را حرف در آن
 او بنویس بعد از آن که این جنس اول تبدیل بجنس دیگر شد
 آنرا هم دو تا دو تا جمع کن تا با آخر الحروف چون مدخل او
 بخرج آوری در تحت او بنویس چون این جنس ثالث از جنس
 اول دریم نیست باز دو تا دو تا با بهم جمع و مخرج و مدخل
 بنویس باین طریق تا بجای رسد که دیگر حرفی نماند که بهم
 جمع شود بعد از آن حروف دویم بسط را بهمین قاعده تا تمامی
 بسط تمام شود انگاه از این مدخل و مخرج این تنویر بقاعده
 نزول حرف بردار از او جمع کن تا با آخر و باید که هر جنس را
 که گمر شده بکفسر ابرداری و باقی را طرح کنی انگاه آنچه
 حاصل شده آنرا تفسیر نموده ملاظمه مدعا کن و الا در دایره
 ثلاثه و الا در بعد از دایره تنه یکت تکسیر کن و با قلم دست
 تا جواب آورده انگاه تکسیر لسان الغیب رسان و بجزان داین
 تنویر در جاه و بسطی که حروف گمر بسیار شود باید بعمل آورده
 خصوصاً در بسطهای بعضی جاه بهمین بسیار در الوف می آید

انجا

انجا لازم است باین قاعده غین او را تبدیل کنند و الله اعلم
 ذخیره بعیت و سیم چون بسط مطلوب نمودی و حروف
 از آن مفرده نوشتی و طبایع را که مقرر بر طبیعت است طالبه
 مطلوبه آنرا بآن جمع کن و مخرج جمع او را بنویس انگاه حاصله بجمع
 آنرا در زمانی قرار ده و آنرا بسط عددی کن انگاه تمامی طبایع را
 جدا گردان در درجات خود بهمان نحوی که در سطر زمان ترتیب
 یافته و هر مقول را در تحت آن طبع بنویس تا آنچه حاصل شده
 در چهار باب جمع کردند که هر بابی از طبعی خواهد بود و هر باب
 از درجات معذری او را با جمع آور انگاه هر باب را جدا جدا
 بنویس و مدخلات حاصل کن انگاه هر دو باب را بهم جمع کن
 انگاه بلا مرتبه حروف و نقاط را در مدخلات او را بنویس پس
 باب سیم را باب اول جمع و بهمان طریق مدخلات را بنویس
 پس باب چهارم را ثالث که از آن دو باب حاصل شده جمع
 گردان و مدخلات بنویس بعد از آن بیکدفعه همه را جمع و بلا مرتبه
 و حروف و نقاط را بهم جمع یکی گردان و انگاه مدخلات بنویس

بعد از آن از هر باب زمامی حاصل کن تا ابواب تمام زمامی
 خود را در یابند انگاه هر دو باب را بهم هم درجه کردن و هر کدام
 زیاد باشد بر کم افزای تا برابر گردد و انگاه بهم امتزاج نقدی
 کردن باین دستور ابواب مذکور را چنین کن انگاه که همه امتزاج
 گردید هر دو باب همزوج را بهم هم درجه کردن انگاه بمثل اول
 بیشتر بر کم افزای تا میزان شود انگاه آنرا امتزاج ده بعد از آن دو
 سطر دیگر را بهم با سطرین عمل کن تا وقتی که آن ابواب بهم امتزاج
 یابند و منتهی بیک سطر گردند انگاه ان سطر را لغو کنی کردن و بینات
 و زبرات را بهم با قوای خود رسان بمثل اول عمل کن که تا
 بجدی که سطر منتهی بسطر آخر شود انگاه این سطر را وسط راهات
 این را با هم امتزاج ده در درجات و انگاه آنرا بر اقلیم سیم
 رسان تمام هر خانه را بدستور مذکور ۴ ۴ تعیین و هر هفت
 خانه را تکسیر کن و از آنها مدارا طلب نماید اگر نیانی سطر
 ام الزمام را بر میزان اقلیم عرض ده تا مطلب خود را رسان
 بید کنی باین دستور عمل ثانی و لسان العجب و روح در

نادر

در تمامی علوم استخراج در هر باب هر درجه هر خانه هر جا که
 بقدر ممکن باشد ضرور است از آن قافل مباش در باب
 ذخیره بیست و چهارم چون بسط مدعا را ترکیب کاملی ترتیب
 نمودی پس الحروف را مقطعه کردن انگاه آنرا شماره کن
 و مخرج حروفش بنویس انگاه نقاط را همچنان مخرج آنها ثبت
 کن وسط بسط را تکسیر کن تا ام الزمام حاصل گردد نظر کن بر
 قواعد میزان روح در باب غرایز و ام الزمام را ۴ ۴ بدستور
 عناصر الجدی ترتیب ده تا نامی الحروف چهار سطر نزل حاصل
 گردد که عرض صفحه چهار حرف و طول آن بجدی که حروف تمام
 شود بر این مثال

--	--	--	--

 انگاه از عین سطر
 که حاصل شده از حرف اول تا بحرف آخر طول سطر اول همه
 منصوب کردن بعد از آن سطر دوم بعد از آن سطر سیم بعد
 از آن سطر چهارم پس آنرا تا بسط میزان کن هر گاه عدل آمده
 است آنرا انگاه دار و اگر کسر آمده است آنرا هم صحیح کردن
 پس این سطر را چهار قسمت خواهی یافت دو قسمت منصوب

و در قسمت معلوب بهمان طریقه هر قسمت را جدا جدا عدد
 و مداخلات را بنویس پس انگاه آن ابراب را حروفات و
 نقاط مخرج انها بنویس انگاه آن مستحصله را ببط عددی
 کردن انرا هم مداخلات کل بدستور اول ثبت کن انگاه حاصله
 عددی را ملفوظی کردن و انگاه انرا هم بمثل اول و ثانی تمام
 کردن انگاه این ابرابرا مستحصله ایشا خلاصه کردن هر
 بابرا جدا گانه یک یکرا هم امتزاج ده تا که در آخر یکسطر آید
 پس ائسطرا تفسیر دام الزمام بخوانی که نمودیم بر در این
 باقیم سبعم بدو و آنچه لازمه است از مطلوبه و تفسیر و
 شان الغیب روح بهم جا اورا سیر فرمائا انکه قدرت خدا
 در تفسیرات مشاهده فرما

ذخیره بیت دینم بدانکه چون بسط امین صحیح ثبت
 گردانیدی یقین بدان که این علم سیر اولیاست باید رموز آ
 آرا مخفی داری تا کسی بآن راه نیاید پس این بسطرا غریزه
 نگسیر کردن باید که حرف الف بسط از جای خود نگرود

و مدار

و مدار می که زمام باز آید و طریق آن در تفسیر غریزی بردارنا
 معلوم است دندان در این سر کردن است چون ام الزمام و
 حاصل کردی پس عدد کلشن یکجا جمع کردن و از آن مداخلات
 بنویس انگاه بهمان ام الزمام عددی انهم جمع کل را یکی
 کردن و مداخلات را ثبت کن انگاه ام الزمان را ببط ملفوظی
 کردن جمله را بیک آورد و مداخلات انرا هم بنویس و حروف
 هر چهار را هم جمع و مدخل انهم بنویس نقاط هم را مداخلات
 بنویس انگاه سه باب مستخرج را یکی کردن و مداخلات
 انهم بنویس انگاه حروفات هم را بلامرتبه بنویس انگاه
 حروف و نقاط هم را بنویس انگاه جمع را یکی کن انرا هم
 مدخل بنویس بعد از آن هم را بیکزمام آورد در این باب غین
 بسیار هم خواهد رسید پس انزمام را خلاصه کردن آنچه
 از حروف فرایده دارد در تحت هر قسم جنس اورا هم در
 کردن انگاه انرا هم بدستور تفسیر بعمل آورد بعد از آن
 سطر حاصله را با بسط خلاصه امتزاج ده و تفسیر کن انگاه

لم الزمام را بجز آن غریزی در ادرو و طرش کن انگاه آنچه
حاصل شده ام الزمام را با قلم مطلوب لسان روح تکبیر
عرضه دار مطلوب را برار و اله اعلم

ذخیره بیست و هشتم چون بسط مدعا بر قدم و ثبت گردید
باید که انسطرا منفرد کردانی درجات پس آنرا بمثل دایره
ثلثه پس اینرا محفوظی سروری مکتوبی را جدا کردان و بهم
میزان کند هر که ام کسر داشته باشد از حروف و نقاط تمام
کند آنچه از بیانات یافت و نوشت اگر کسر داشته باشد
از نظایر ابجدی الحروف الحاق نماید تا تمام شود انگاه
ابتدا نماید بدور دادن آن باین طریق طروح سسته اول

۴۴ و بعد از آن ۷۷ و بعد ۹۹ و بعد ۱۲۱ و بعد
۲۸۱ و بعد ۳۰۳ چون یکدور از هر یک از سطر

ثلاثه از طروح سسته حرفی برداشت این ثبت از درجه
اعلا گرفته تا سفل دور آورد تا منتهی بجای گرفته دور دهد
تا بنسی انگاه که سطر ثلثه تمام شود یکسطر حاصل شود

الطرا

انسطرا تکبیر کند تا آنکه سطر ام الزمام بهر سد پس ام الزمام را
بشمارد و دریم سطر فوقانی ام الزمام را و بداند و سطر سیم
فوقانی ام الزمام سیم بداند و انگاه بنویسد علاءه انگاه انرا
جمع کند و انسطرا تکبیر کرده باشند و از آن مدعا مطلوب خود را
در کت نمایند صدر مؤخر منسوب مقلوب و در صفحه تکبیر که
تمام شد این رویه سطر سیم فوقانی ام الزمام را و دایره را
مرعی دارد و در هر صفحه این قاعده ان در ریت و این بسط
تکبیر است نه مدخلی فافهم

ذخیره بیست و هفتم چون بسط معین شد حروف انرا
تکبیر کن از اول بسط تا پنجمه تکبیر کن در سطر پنجم جواب مطابق
سوال معلوم می شود انسطرا بنویس از آن دایره ثلثه وارد
د بسط بنی طروح سسته حرف بردار و سطر حاصله تکبیر کن تا
بانجبار از آنهم علامت جواب مطابق سوال خواهی یافت
انگاه انرا بدایره ثلثه وارد کن انگاه بطرح همین دایره ثلثه
وارد کن انگاه بطرح همین دایره ثلثه زمام کن و انسطرا تکبیر

کن در پنجم جواب حاصل می شود و هر گاه خواهی تا انتهای ام
الزمام تکبیر کن بهتر معلوم می شود و الله اعلم

ذخیره بیست و هشتم چون بطراوشتی حروف بطرا
یک یک بطن ایشانرا داخلات حاصل کن که هر حرفی در هفت
بطن از و استخراج کن اول بطن او را از اعداد طبیعی خود جمع
کن آنچه عدد حروف نقاط است بر آن افراد مدخل کبیر و بط
عدد می از مدخل حاصل کن و اعداد حروف و نقاط بر آن
از آن نگاه مدخل را و الحروف را ملفوظی کن و شماره حروف
و نقاط را داخل کن مدخل ساز این همه یک بطن می شود باین
طریقه هر حرفی را هفت بطن حاصل کن و مدخلات بطور
تبریت بط جمع کن و بنویس و هر هفت حرف را مدخلاتش
یکبار حساب کن و بعد بگرد وجه کن و استخراج ده نگاه آنرا
تکبیر کن تا پنج سطر و اگر ام الزمام حاصل کنی ام الزمام را
دایره ملفوظی مسروری مکتوبی کردانی بسیار نیکوست
والا سطر پنجم را دایره کردن و بطریق طریقه سطر کبیر

تا همه یک سطر آید انگاه ام الزمام از و بردار و بر دایره نشسته آور
از آن یک سطر استخراج بطرح دایره مذکور حاصل کن انگاه انطرا
تکبیر کن و مدعا را بخوان و لسان الغیب مودع را و اقالیم را
بر آن و در هر سطر تکبیر عرضه ده و بقواعد مقررہ بعمل آور
که مدعا حاصل است

ذخیره بیست و نهم چون بط مدعا کردی حروف
بطرا منفرد کردن و اول را از ایش با او روح همدرجه کردن
بعد از آن از آنچه بعد از ایش بعد از ایش بعد از ایش بعد از ایش
انگاه نظیره سطر بطرشش سطر دیگر بهم رسیده که با سطر
بط هفت سطر باشد این هفت سطر را بدستور کراکب از اول
هفت سطر عرض از زمین سطر حاصل کن که آن سطر هفت
حرف باشد باقی بدستور تا تمامی این سطر یکی نامه آید
و باید بین السهین این سطر اندک بقدر دو نقطه فاصله
داشته باشد انگاه انقدر که جمع شده بر یک سطر که عبارت
از آن هفت حرف باشد از اعدادی کن بعد از آن ملفوظی

کن و آنرا بدایرثله برد بطرح اربعه انرا هم جمع و زمام ساز
 مطلب را پیدا کن در اقلیم و در لسان الغیب و در روح فهم
 کن و اعلم تا باخر این سطور را باین دستور بعمل آور و دیگر در
 تمامی این بطنه ذخیره لسان الغیب و روح لازمه است
 اقالیم و طرود سته و دو ایرثله لازمی است دایره ثلثه و
 و طرود سته تجدید لازمه است ترفع و تغلیل و تضعیف
 در همه لازم است تکبیر لازمه کل اعمال جفریه است بهر قسم که
 باشد و تکبیر ممکن نیست آنچه در این ذخایر آمده تمامی مراد در همه
 در کار است و این ذخیره ها هر یک از برای عالم باشد یکانه
 الاسرار نیست در علوم حروف که هر کدام از این قواعد
 با فاسمهای متعدد استخراج میتوان نمود آن در اسنادان
 روشن است و علمای این علم هر یک در این علم بهمین ارشاد
 تصرفات و قواعدات دارند و هر کس بقدر درکی خود کاری
 و هنری در این علم نموده است در موز آنرا بنا اهل تعلیم نداده
 اند لهذا این رساله را فقیر انتخاب نمود اصول و ارشاد تو را

از

از برای دستور العمل باسانی و نزدیک بفهم محبت بخت این
 صحایف نموده تا از روی دوستان مشایردان یا دکار بماند
 و دیگر در در خاتمه
 بدانکه اسناد این علم را رازها و نکته ها هست که انرا لفظ بلفظ
 بهم سپرده اند تا افشای ستر نگردد و پرده از روی اسرار
 بر ندارند و علم بی مقدار و عامل بی قیمت نگردد
 بدانکه سوال و جواب در صحایف گاه هست که در کیبط
 ظاهری شود و گاه هست بدون تکبیر ممکن نیست و گاه هست
 بدون لسان الغیب دست بهم نمیدهد و گاه هست که بهیچ مکن
 ظاهری نمی شود پس در آن وقت انحراف از ابط عددی کن
 و حروف انرا بدستور دایره ثلثه کن تا ناطق گردد و چون با
 قایلیم و شهر و قلعه و محله و خانه بری بهتر و نیکوتر است و در آن
 قواعد الی غیر النهایه دارد و اصل آنرا بدین ذخیره نموده شده
 تا از روی آن هر تصرفی که کند راست آید و دیگر
 بدانکه حروف مستحصله محتاج بمطلوبه خوری باشد و هر حرف
 مطلوب به اد ۲۸ حرف است گاه در انودش آید گاه در

ضرب المراتب اید گاه در ضرب النازل آید گاه در افلاک
 گاه در بروج گاه در درجات بدانکه بسط ترتیب
 درست باید ثبت کنی و حروف آنرا در مخرج نویسی و بدانکه
 اعداد او داخلی خواهد بود داخل مخرج میخورد و مخرج استنطاق
 میخورد و بدانکه بسط محتاجت بعد از ظاهری و باطنی و
 اندر محتاجت بعد از مخرج و نطق و بدانکه حروف
 ناطقه را مستحصله گویند و مستحصله گاه در بسطها می آید
 و آنوقت است که بسط را بطن تکبیر و بیانی عمل کرده اند
 و مستحصله بهترین همه قواعد است و حروف را بطن است که قسم
 استخراج می شود داخل و بسط عددی و بسط منظومی و این
 بسط تمام محتاجت داخل است تا داخل اینها را بعد
 نیازی حاصلی از آن نیازی و دیگر بدان و این رموز را نیک
 درک کن انگاه درجه درجه آفرش را بدان و مطلوبش
 شناسی در اقلیم و در تمامی اعمال استخراج این قواعد
 ضرور است فهم کن و بدانکه چون در استخراج و تکبیرهای
 کلام

کلام کامل المعنی باقی آنرا نشان کن که مخور کرد و چون کامل
 المعنی نباشد فکر کن که بقیه حروف در باطن او در قفای او
 چنانست در باب و چون جواب را مطابق نیافتی کلامی که
 معنی دارد آن نویسی که در یکسره دیگر با تکبیر دیگر نوعی
 بهر سه که این را پرورش دهد و مطابق گرداند فائده
 در باب استخراج بدانکه عدد حروف بدایره اجدی معروفست
 ولی اکثر حکمای قدیم بدایره اقبس موضوع داشته اند و
 بعضی ایقاع و بعضی اهطم و بعضی اجدهش و بعضی
 ارمی عمل گرداند فائده بدانکه درجات اجدی ۲۸
 درجه است و هر درجه و استخراج پنج قسم می شود و پنج
 مطلوبه میخورد در درجه اول اقلیم است فهم کن باز نوع دیگر
 انرا هم مقرر کرده اند اقلیم و شهر و قلعه و خانه این چهار قسم است
 هر دو قسم خوب است نیک تا مثل کن و نگاه دار و سر سری
 چندار فائده بدانکه حروف مستحصله با بسط سوال دنیا
 بر هر قاعده که باشد سطر زمام مستحصله را انواع استخراج

وقواعد است هست درجات را فرد فرد بمطلوبه برسانند آن
 معموله هم مطلقه دارد که انرا لسان الغیب گویند و لسان هم
 مطلوبه باره که انرا روح گویند و اینها بدون یکدیگر نمیتوان شد
 و گاه درجات را چهار و چهار قسمت میکنند و هر چهار را بصفحات
 ببرند و از اینجا که خانه همان حرف است تا آخر صفحه بر میدارند
 و گاه بموازین حروف همان خانه که مستحصله است حرف بر میدارند
 و گاه بموازین الحروف خانه جمع می کنند و گاه بموازین الحروف
 منسوب مقلوب و نازل و عارج بر میدارند و گاه خانه مستحصله
 در صفحات جفر او را مرکز قرار می دهند و به موازین آنی رز
 چهار جانب او خانه جمع میکنند و گاه بموازین آن مرکز تمامی خانه
 متعلقه مرکز را بر میدارند و گاه بموازین حروف مذکور صفحات
 استخراج می نمایند و گاه بموازین حروف سطر مذکور بر میدارند
 مطابق و گاه پنجم از مستحصله را در نفس خود ضرب و
 حاصل ضرب را اگر قابل طرح منازل هست طرح و الا بهمان
 میزان حرف و گاه خانه جمع میکنند و گاه تمامی چهار حرف مستحصله

مستحصله را جمع اگر قابل طرح بطرح میدهد یا بحصله میزان
 و حروف و گاه خانه جمع میکنند و گاه حروف چهار گانه را بینات
 میگیرند از بینات بینات حاصل میکنند تا بجای که بینات مکرر
 شود که چون جواب حروف چهار گانه ظاهر شود انگاه تمامی
 بینات را یکزمان میکنند و از آنها ۴ و ۴ قسمت و حروف
 صفحه وسط را استخراج و مدعا را بلسان و روح رسانند
 و گاه بموازین عناصر عمل میکنند و گاه بدرجات عناصر عمل
 میکنند و گاه بموازین کواکب عمل میکنند و گاه بموازین بروج
 و گاه بموازین منازل و گاه بموازین درجات و العاقل بگیرند
 و اشاره فائده بدانکه طرح شش است عنصر کواکب
 افلاک بروج منازل درجات بدانکه از حروف ۲۸
 گانه بعضی قابل طرح هستند و بعضی نیستند بدانکه این طرح
 شده در جمع در حروف و در عدد و جزو و صفحه وسط و خانه
 و حرف در همه در جا چار است و بدون اینها ممکن نیست
 فائده اقلیم و جزو و شهر و صفحه محله سطر و خانه یک خانه

سطر است و بدانکه اقلیم ۷ و هر اقلیم تغلق بگوکی دارد در
 علم جغودار اقلیم جزو کتاب جغز است و در هر مرفذ ۲۸ صفحه
 و هر صفحه ۲۸ سطر و هر سطر ۲۸ خانه دارد استادان چنین
 مقرر نموده اند اما آنکه در ذخیره القلوب این داعی بنام
 بر ۷ اقلیم گذاشتم که هر چهار جزء یک اقلیم باشد و هر جزو
 شهر و هر شهر ۲۸ قلعه که هر قلعه یک صفحه باشد و هر صفحه
 ۲۸ محله و هر محله ۲۸ خانه و هر خانه چهار نفر در آن مسکن دارد
 و این رموز را نیک بفهم بدانکه چون خواهد شد که از یک صفحه
 با پنج صفحه کتاب جغز جامع مجهول معلوم کنند و حروفات
 ملفوظی مکتوبی و سرور را از صفحات بیرون آورند و جدا
 جدا وضع کنند جدا بدانکه چون استخراج گردید در سیمی از
 از ملفوظی و مکتوبی و سروری را جدا جدا وضع گردید چون خواهد
 که ترکیب کنند از حروف هر سه قسم شمرند و حروف چهار را
 برگزینند تا تمام بشود و اگر یک قسم بماند اعتماد و اعتبار نکنند
 اول از قسم ملفوظی گیرند و ثانی از مکتوبی و ثالث از سروری

در ترکیب

و ترکیب کنند و اعراب کنند و بجزا نند و اعراب بدستور دایره او
 بلیغ است و بدانکه از ابتدای صفحه تا موضع اسم احوال ماضی
 باشد از اسم الی آخر صفحه مستقبل میآید که نیکوترین ترکیب
 نظر تفکر نماید و بجمعیست خراطر و خطوط قلب مشغول باشد
 تا معنیات از عالم غیب چهره کشاید و آنچه هاتقی غیبی منطبق
 مردف صادق گوید یا گرداند بگوشش و هوشش و عقل را در کج
 در بیاید و در هر جا حرفی و کلامی شنید بدل و دیده او را
 نشان کند و نویسد و از بین و یسار عارج و نازل و تحت و
 فوق آنرا نیک ملاحظه کند که گاه هست که از یکدرجه تکسیر و سطر
 حروف منصوب خوانده و متقلب و عارج نازل خوانده می شود
 که از یکسطر همان چندین معنی مفهوم میگردد و الله ولی التوفیق
 قاعدة طرح جغز بدانکه دستور در طرح عناصر است که
 حرف اول آتش است چنانکه برج حمل است و پنجم او آید
 است و نهم او قوس چون حرف اول را گرفته بعد از آن سه
 حرف طرح نموده حرف پنجم را بگیرند بدین نوع شد حرف اول



کتابخانه تخصصی علوم غریبه، متافیزیک، ماوراء و باستانی

آدرس کانال مادر تلگرام:

<https://telegram.me/joinchat/CrNPQT^xvaIriQKDpeg-sw>

یا

<https://telegram.me/ketabsabzz>

با عرض سلام خدمت همراهان خوب کانال و خیر مقدم به دوستانی که تازه به جمع ما اضافه شدند

دوستان خوبم، همینطور که میدونید کتابای علوم غریبه بیشترشون قدیمی و فاقد شناسنامه کتابه. اونچه که من برا بیوگرافی کتاب گذاشتم تو هیچ کانال کتابی نبوده. بلکه خودم زحمت کشیدم کتاب رو دانلود کردم و بعد تا ورق آخر کتابو گشتم بخاطر اینکه بفهمم موضوع مطالبش چیه. اول تو یک برگه چک نویس کنم بعد ویرایش و تایپ کنم براتون. اینکار خیلی از وقتم رو میگیره. بعد کانالای دیگه بدون هیچ زحمتی مطالب کانال منو بر میدارن میزارن کانال خودشون. میخوام بگم به هیچ وجه به استفاده کانالای دیگه از مطالبی که مینویسم راضی نیستم و اصلا حلال نمیکنم. چون این بیوگرافیا رو خودم درست کردم. اینجور نیس که اونچه میخوانید همش یک جای کتاب یا صفحه اولش باشه بلکه کل کتابو گشتم و دستچین کردم. و بدتر اینکه بخاطر بالا رفتن سرعت کارم برا باز شدن بعضی فایلها تا الان نه تا برنامه پی دی اف خوان عوض کردم انصاف نیس زحمتو راحت تو کانالشون بزارن وقتی که خودمو هم راحت میتونن پیدا کنن که اجازه بگیرن. گفتم تا بعضیا که حاصل زحمت منو راحت و بدون اجازه بر میدارن بدونن این کارشون به هیچ وجه انسانی نیست و من هم اصلا نمیگذرم. چرا که وقت زیادی رو برا انتخاب متن بیوگرافی کتاب میزارم.

از آنجا که دعانویسی دارای شرایط خاص و نیازمند تهذیب نفس و پاکی سرشت است و انجام آن از عهده هر فردی بر نمی آید، ادمن این کانال هیچ مسعولیتی در برابر استفاده نادرست و نابجا و سوء از کتب علوم غریبه که در کانال قرار داده میشود نداشته و هدف از قرار دادن اینگونه کتابها صرفا جهت مطالعه و آشنایی مختصر کاربران گرامی کانال با این علوم اسرار آمیز است نه برای استفاده شخصی و دنیایی و طلسم کردن افراد...